

Étude comparative des équivalents des « *Al-mavâli* » et « *vali* » dans les traductions françaises et persanes du verset 5 de la sourate *Maryam*

Mokhtar Issaiyan¹ (Auteur correspondant) 

Professeur assistant, Faculté des Lettres et des Langues Étrangères, Université d'Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

Mitra Toussi

Master de Langue et Littérature persane, Université islamique Azad, Branche central de Téhéran, Téhéran, Iran

Résumé

La question de la traduction de texte sacré et les approches adéquates à cet égard restent depuis toujours un sujet d'intérêt. Vu les difficultés de la traduction des textes sacrés et l'importance du maintien du sacré de la parole divine, la traduisibilité du texte sacré demeure la question la plus cruciale auprès des théologiens et des traducteurs des textes biblique et coranique. Dans les études traductologiques, l'analyse et la comparaison des traductions de textes sacrés, essentiellement basés sur l'exégèse et le *tafsîr* (explications), constituent une approche pertinente.

Ainsi, dans une perspective comparative et sémantique, nous examinons la possibilité et la convenance des traductions françaises et persanes du *Coran* concernant les termes « *Al-mavâli* » et « *vali* » dans le verset 5 de la sourate *Maryam*. En effet, nous basons nos analyses essentiellement sur les sources traitant du sens des termes et des expressions coraniques, eu égard à la sacralité de la parole divine, et comparons les équivalents proposés par les traducteurs. Tout en tenant compte des paramètres religieux, historiques et culturels, nous étudions les significations lexicales et contextuelles des termes en question, et éclairons les raisons de l'impropriété sémantique des équivalents et l'intraduisibilité, dans un sens général, des dits-termes.

Dans cette étude, nous analysons soixante-dix traductions persanes et quarante traductions françaises du *Coran*. Afin de mieux appréhender les différentes significations du verset, à part les traductions existantes, nous profitons des *tafsîrs* et des commentaires de certains exégètes réputés chiites du *Coran*.

Mots-clés : traduction de *Coran*, polysémie, *vali*, *al-mavâli*, études comparatives, les équivalents français des termes.

¹. E-mail: mokhtar.issaiyan@atu.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.84288.1092>
<https://orcid.org/0000-0001-5380-0317>

Comparative analysis of the equivalents of “*Al-mavali*” and “*vali*” in the French and Persian Translations of Verse 5 of Surah Maryam

Mokhtar Issaiyan¹ (Corresponding author) 

Assistant Professor, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mitra Toussi

Master of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

The question of the translation of sacred text and the appropriate approaches in this regard has always remained interesting subjects. Given the difficulties of translating sacred texts and the importance of maintaining the sacredness of the divine word, the translatability of the sacred texts remains the most important question for theologians and translators of biblical and Quranic texts. In translation studies, the analysis of translations of sacred texts, based essentially on exegesis and *tafsir* (commentaries), constitute a relevant approach. Thus, in this research, from a comparative and semantic perspective, we will examine the possibility and suitability of French and Persian translations of the Quran concerning the terms “*Al-mavali*” and “*vali*” in verse 5 of *Surah Maryam*. The analysis is essentially on the sources dealing with the meaning of Quranic terms and expressions, with regard to the sacredness of the divine word. The study compares the equivalents proposed by the translators. While taking into account religious, historical and cultural parameters, the study explores the lexical and contextual meanings of the terms in question and shed light on the reasons for the semantic impropriety of the equivalents and the untranslatability, in a general sense of the terms. Seventy Persian translations and forty French translations of the Quran are analyzed. For the sake of a good understanding of the different meanings of the verse, apart from the existing translations, the study take advantage of *tafsirs* and commentires of certain reputed Shiite exegetes of the Quran.


Keywords: translation of the Quran, polysemy, vali, al-mavali, comparative studies, French equivalents of the terms.

¹. E-mail: mokhtar.issaiyan@atu.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.84288.1092>
<https://orcid.org/0000-0001-5380-0317>

بررسی تطبیقی معادل‌های واژگان «الموالی» و «ولّی»

در ترجمه‌های فارسی و فرانسه آیه ۵ سوره مریم

مقاله پژوهشی

مختار عیسانیان^۱ (نویسنده مسئول) 

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، تهران، ایران

میترا طوسی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

مسئله ترجمه کتب آسمانی و شناخت رویکردهای مناسب آن، همواره یکی از موضوعات پرسش‌برانگیز بوده است. میزان ترجمه‌پذیری متون دینی به سبب دشواری ترجمه کلام وحی و حفظ شأن و تقدیس گفتار آسمانی، از جمله مهم‌ترین موضوعات مدنظر عالمان دینی، مفسران و زبان‌شناسان مسیحی و مسلمان برای ترجمه کتب آسمانی‌شان بوده است. از جمله رویکردهای مناسب برای مطالعه و سنجش یک ترجمه، مقابله و بررسی ترجمه‌های یک متن مقدس و مقایسه آن‌ها با متن اصلی با توجه به تفاسیر و تحلیل‌های موجود است. ما نیز در این نوشتار با یک رویکرد معناشناختی، با تطبیق ترجمه‌های موجود از قرآن به زبان‌های فارسی و فرانسه، امکان و میزان ترجمه‌پذیری معادل‌های الفاظ «الموالی» و «ولّی» در آیه ۵ سوره مریم را مورد تحلیل و سنجش قرار خواهیم داد. در واقع، نظر به وجود الفاظ مقدس و به‌خصوص تقدس کلام الهی، با رجوع به منابع موجود در تحلیل و تفسیر قرآن، در قالب یک مطالعه تطبیقی به مطالعه معادل‌های فارسی و فرانسوی واژگان مورد نظر می‌پردازیم و با بررسی معنای واژگانی و بافتی کلام قرآنی با توجه به مؤلفه‌های دینی، تاریخی، فرهنگی متن مقدس، دلایل نارسایی‌هایی معنایی و ترجمه‌ناپذیری دو واژه مورد پرسش را بیان خواهیم کرد. در این پژوهش هفتاد ترجمه فارسی و چهل ترجمه فرانسوی موجود از قرآن در این دو زبان مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. در راستای فهم دقیق‌تر تمامی مؤلفه‌های معنایی، جدا از ترجمه‌های موجود، بعضی از تفاسیر و تحلیل‌های مفسران بزرگ شیعی راهنمای بزرگ ما در درک و فهم بهتر متن قرآنی خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: ترجمه قرآن، چندمعنایی، ولیّاً، الموالی، مطالعه تطبیقی، معادل‌های فرانسوی واژگان.

^۱ E-mail: mokhtar.issaiyan@atu.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.84288.1092>

<https://orcid.org/0000-0001-5380-0317>

۱. مقدمه

علی‌رغم جدل‌های پیشینیان بر سر ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری متون دینی، امروزه علمای دین در لزوم و بلکه وجوب ترجمه متون دینی تردیدی ندارند. در حوزه دین اسلام نیز، علما، زبان‌شناسان و فلاسفه مسلمان از همان قرن‌های دوم و سوم، با تأسیس بیت‌الحکمه با رویکردهای مختلفی به مسئله فلسفه و تاریخ ترجمه پرداخته‌اند؛ به‌خصوص با مطالعه دقیق ترجمه‌های نخستین تورات و انجیل به زبان‌های یونانی و لاتین در دو مکتب ترجمه، ابن بطریق و حنین ابن اسحاق، به مسئله ترجمه قرآن به شکل بسیار عالمانه و دقیقی پرداختند (Ballard, 2013, p. 44-47). اما آنچه همچنان در این حوزه از دیدگاه زبان‌شناسان و عالمان دینی مناقشه‌برانگیز است، یافتن بهترین رویکرد و اسلوب در انتقال مفاهیم عمیق و کلام مقدس قرآنی در متن ترجمه است که در قرن اخیر مطالعات گسترده‌ای را در حوزه ترجمه‌شناسی دربرمی‌گیرد.

در مفهوم ساده و نخستین، ترجمه بین دو زبان عبارت است از برگرداندن متن از یک زبان (زبان اصلی) به زبان دیگر (زبان هدف). در واقع، عمل ترجمه وسیله‌ای است برای برقراری رابطه بین حداقل دو زبان، دو فرهنگ، دو اندیشه، دو باور و گاه دو دوره مختلف تاریخی. اما هنگامی که سخن از ترجمه متن مقدس می‌شود، موضوع از حساسیت خاصی برخوردار می‌شود، چراکه در کنار مسئله ترجمه یک متن با واژگان مقدس، مسئله حفظ تقدس کلام نیز در برگرداندن آن به زبان دیگر مطرح می‌شود. هانری مشونیک^۱ در مقاله «ترجمه متن مقدس یا ترجمه رابطه با الوهیت»، موضوع وجود یک «بوطیقای ویژه» در متن مقدس را مطرح می‌کند و آن را یک نوع «گفتار کدگذاری شده» برمی‌شمرد که نشانه‌های ارتباط با الوهیت را در خود دارد (Meschonnic, 1999, p. 428). پیچیدگی و دشواری حفظ و نگهداری این نشانه‌ها و علائم ویژه در ترجمه و یافتن معادل‌های مناسب واژگانی در متن هدف، مستلزم شناخت دقیق و بایسته ساختار، سبک و مفاهیم پیچیده دینی در متن اصلی است؛ مسئله‌ای که ترجمه را به تفسیر پیوند می‌دهد و موفقیت مترجم را بسته و مشروط به شناخت کافی از دو مقوله زبان و تفسیر می‌کند.

موضوع مقاله حاضر مطالعه و بررسی تطبیقی ترجمه آیه ۵ سوره مریم در ترجمه‌های متعدد به دو زبان فارسی و فرانسه و پرسش این نوشتار دلائل عدم تطابق معنایی معادل‌های داده‌شده

^۱ Henri Meschonnic

توسط مترجمان ایرانی و فرانسوی برای واژگان «موالی» و «ولی»، به‌عنوان دو واژه چندمعنا و پربسامد در قرآن است. خوشبختانه امروزه، منابع کافی در حوزه تفسیر و ترجمه قرآن، از جمله از جنبه‌های مختلف لفظی و معنوی در اختیار پژوهشگران قرار دارد. یکی از جنبه‌های مطالعات علوم قرآنی که با مطالعات معناشناسی به شکل آکادمیک آن هم‌پوشانی دارد، دانش لغت‌شناسی است که گستره آن را باید ذیل پژوهش‌های «غرایب قرآن»، «مفردات قرآن» و «وجوه و نظائر» جست که مورد اخیر با پرداختن به چندمعنایی، وجوه معنایی، کلمات ذووجوه، اشتراک لفظی، مشترک لفظی و غیره کاملاً با مطالعات دانشگاهی هم‌راستایی دارد.

در مقاله پیش رو، با بهره بردن از تفاسیر قرآنی و فرهنگ لغات موجود و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معناشناختی از جمله معنای واژگانی و نحوی الفاظ، ضمن تعریف معنای کانونی و معناهای ضمنی و بافتی واژگان «موالی» و «ولی» و با الهام گرفتن از نظریات و منابع موجود، کوشش خواهیم کرد یک بررسی تطبیقی بین معادل‌های پیشنهادشده برای واژگان مورد پرسش انجام دهیم. هدف از این مطالعه تحلیلی - تطبیقی سنجش میزان درستی و اعتبار معنایی و مفهومی واژگان پیشنهادشده با توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی بین دو زبان هدف، یعنی فارسی و فرانسه، با زبان اصلی متن، یعنی عربی از یک سو، و آشکار کردن دلایل معناشناختی ترجمه‌ناپذیری بعضی از مفاهیم قرآنی از سوی دیگر است.

با توجه به فرض مسئله این پژوهش مبنی بر وجوه مختلف معنایی برای واژگان «ولی» و «الموالی» در قرآن و ترجمه‌ناپذیری برخی از مفاهیم قرآنی، از جمله دو واژه مورد مطالعه، نخست لازم است که معنای کانونی آن‌ها، از نظر مفهومی و همچنین معنای نحوی آن‌ها در بافت آیات و سوره‌های مختلف قرآن مورد بررسی و تبیین قرار گیرند. آنگاه با توجه به معنای گوناگون این واژگان در زبان عربی و به‌ویژه در متن قرآن و با استفاده از معنای استخراج‌شده از فرهنگ‌ها و تفاسیر معتبر قرآنی، معنای خاص این واژگان در آیه ۵ سوره مریم استخراج خواهد شد. بدیهی است که این رویکرد نیازمند انجام یک تحلیل مفهومی در سطح واژه و یک تحلیل نحوی در سطح آیه با توجه به هم‌نشینی واژه‌ها در ساختار آیات و در بافت قرآن است. شناخت مناسب از معنای واژگانی و نحوی واژگان در زبان اصلی، امکان تحلیل و ارزیابی معنایی معادل‌های موجود در ترجمه‌های فارسی و فرانسه را خواهد داد. بدیهی است که لازمه این مطالعه تطبیقی،

تحلیل و واکاوی معناساختی معادل‌های فارسی و فرانسه در ساختار زبان‌های هدف نیز هست که در ادامه گفتار به آن‌ها پرداخته خواهد شد. در این مقایسه تطبیقی و تحلیلی، هفتاد ترجمه قرآن به زبان فارسی و چهل ترجمه به زبان فرانسه مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در این میان برای رسیدن به یک تحلیل مناسب از معادل‌های موجود در ترجمه‌ها، نمایه کامل آن‌ها در قالب دو جدول جدا ارائه خواهد شد.

این پژوهش با رویکرد معناسازی تطبیقی و به روش تحلیلی - توصیفی به تحلیل داده‌ها خواهد پرداخت، بدین صورت که نخست آیه به زبان‌های عربی، فارسی و فرانسه ارائه شده و سپس معنی لغوی واژگان عربی و سپس فارسی و فرانسه بررسی خواهند شد. در پایان، به فراخور نتایج به دست آمده، میزان درستی یا نارسایی معنایی معادل‌های موجود مورد تحلیل و مقایسه قرار خواهند گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر در ایران، کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های پرشمار و ارزشمندی در حوزه معناسازی قرآن و به خصوص حوزه چندمعنایی نوشته یا ترجمه شده است. باین حال لازم به یادآوری است که بیشتر پژوهش‌های سه دهه اخیر بر ترجمه‌های فارسی قرآن تمرکز دارند و تنها تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها به مقایسه اصطلاحات قرآنی در ترجمه آن به سایر زبان‌ها پرداخته‌اند. از پژوهش‌هایی که با محوریت ترجمه‌های فرانسوی قرآن و به موضوع چندمعنایی واژگان قرآنی پرداخته‌اند، می‌توان به تعدادی پایان‌نامه و مقاله اشاره کرد، از جمله پایان‌نامه بررسی تحلیلی ترجمه فرانسوا واژگان «مؤمن» و «کافر» در قرآن کریم (حوریه کاشف، ۱۳۹۶) که به بررسی این دو واژه در ۶۸ آیه از قرآن ترجمه محمد حمیدالله می‌پردازد. همچنین باید به مقاله نوشته شده توسط نسرين اسماعیلی و همکارانش با عنوان «بررسی نشانه معناساختی واژگان ذکر و خیر در قرآن و معادل‌های آن‌ها در هفت ترجمه فرانسوی قرآن کریم» (۱۳۹۶) اشاره کرد که در آن به بررسی معنایی واژگان نام‌برده با توجه به چندگانگی معنایی ناشی از هم‌نشینی واژگانی در بافت سوره پرداخته است. همچنین می‌توان به مقاله «واکاوی سیر تحولی ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسه براساس سطوح ساختاری، محتوایی و گفتمانی، با تکیه بر سوره مبارکه حجرات» (زهرا تقوی فردود و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره کرد که بند چهارم آن، به طور ضمنی، با چندمعنایی مرتبط

است. مقاله دیگری که در راستای همین پژوهش قرار می‌گیرد مقاله «معناشناسی واژه ولیّ در قرآن کریم» چاپ شده در *پژوهشنامه نقد ادب عربی* است که به بررسی معانی چندگانه واژه «ولیّ» در سوره‌های مختلف قرآن با توجه به وجوه بافتی و نحوی آیات می‌پردازد. از جمله مقالاتی که در همین حوزه صورت گرفته است، مقاله «ارزیابی ترجمه کردی قرآن کریم توسط هزار موکریانی» (۱۳۹۹) است که در نشریه *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه* منتشر شده است. در این مقاله نویسندگان، با الهام از نظریه آنتوان برمن، گرایش‌های موکریانی به ترجمه ریخت‌شکنانه قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند که می‌تواند نمونه خوبی از یک پژوهش قرآنی در حوزه ترجمه باشد.

۳. مفهوم چندمعنایی

در مطالعات زبان‌شناسی، چندمعنایی^۱ یکی از زیرمجموعه‌های دانش معناشناسی است که به مقوله ارتباط لفظ (صورت/دال)^۲ با مفهوم (معنا/مدلول)^۳ و سیر پیشرفت و دگرگونی‌های آن می‌پردازد (بستانی و سپه‌وند، ۱۳۹۰، ص. ۲). گاه به مرور زمان و به دلایل مختلف، واحد زبانی با دور شدن از معنای اولیه دچار تحول معنایی شده و معنا یا معنای جدیدی به خود می‌گیرد تا آنجا که ممکن است تبدیل به یک واحد معنایی جدید شود. به عبارتی، چندمعنایی توصیف «شرایطی است که یک واحد زبانی از چند معنا برخوردار می‌شود» (صفوی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۱) امری که از دشواری‌ها و ظرایف فن ترجمه نیز به حساب می‌آید.

در مباحث علوم دینی، چندمعنایی در دو وجه موازی مورد بررسی قرار می‌گیرد: استعمال لفظ در بیش از یک معنا (چندمعنایی) و چند معنا داشتن یک لفظ (دلالت چندگانه). قرآن پژوهان این دو بعد را با وجوه و نظائر — یکی از فروع علم تفسیر — متناظر می‌دانند و معانی احتمالی کلمات قرآن را وجوه الفاظ قرآنی می‌شمارند؛ به این مفهوم که اگر در لفظ یا عبارتی چند معنا نهفته باشد، به شکلی که لفظ یا عبارت مذکور دارای چند معنا باشد و هر معنا مبنای یک تفسیر قرار گیرد، این معانی را «وجوه» می‌نامند (کوثری، ۱۳۹۴، ص. ۳۹). درمقابل، «نظائر» درباره الفاظ یا تعابیر مترادف و نظیر هم به کار می‌رود، طوری که بتوان از چند لفظ معنای تقریباً واحدی افاده

^۱. La polysémie

^۲. Le signifiant

^۳. Le signifié

کرد (قمصریان، ۱۴۰۰، صص. ۸۰-۸۱). در واقع، «وجوه» ناظر به معانی متعدد، یعنی چندمعنایی و «نظائر» ناظر به لفظ مشترک، یعنی هم‌معنایی است. چنان که می‌بینیم هم در علم زبان‌شناسی و هم در مباحث علوم دینی، چندمعنایی فصل مشترکی به حساب می‌آید. هرچند از نظر نامگذاری، عناوین مشترکی را برای این مؤلفه‌های معنایی نداشته باشیم، اما به‌طور کلی چندمعنایی را در دو سطح واژگانی و نحوی مورد مطالعه قرار می‌دهند. در واقع، تمرکز این پژوهش بر مطالعهٔ وجوه یا چندمعنایی واژگان «الموالی» و «ولی» است.

اهمیت شناخت الفاظ چندمعنا در قرآن، در ترجمه و تفسیر بسیار تبلور می‌یابد. قرآن مشحون از واژگان، اعم از اسم، فعل، حرف، عبارت و جمله است که هم‌زمان در چند معنای متفاوت و گاه متضاد به‌کار می‌روند. همان‌گونه که جواهری در روش‌شناسی ترجمهٔ قرآن کریم به آن اشاره می‌کند، «یکی از لغزش‌های مترجمان و مفسران اطمینان کردن به معانی ارتکازی^۱ ذهنی است» (۱۳۹۹، ص. ۱۶۳)؛ به این معنا که با مشاهدهٔ واژه، بنا بر عادت زبانی، نخستین معنای رایج آن را اراده و بیان می‌کنند که گاه در عین هم‌خوانی با سیاق جمله، آیه را از معنای اصلی دور می‌سازد. از این رو شایسته است که مترجم یا مفسر به منظور رفع ابهام از مضامین دوپهلوی، ضمن «اجتهاد در لغت و اتکا به دانش معناشناسی» (همان، ص. ۱۵۲)، گوشهٔ چشمی نیز به منابع تفسیری داشته باشد.

پژوهش‌های مختلف در ترجمه‌های فارسی قرآن نشان می‌دهند که مترجمان در مواجهه با الفاظ چندمعنایی، به شیوه‌های مختلف عمل کرده و گاه از یک آیه چندمعنا به دست داده‌اند. در گذشته، قرآن‌پژوهان چندمعنایی را یکی از مصادیق ترجمه‌ناپذیری قرآن می‌شمردند که امروزه این فرض پذیرفته نیست؛ چراکه در عصر حاضر، برخلاف گذشته، در علوم قرآنی، اصول نظری و عملی ترجمه به‌روشنی تبیین شده‌اند. آنچه ترجمه‌ناپذیر به نظر می‌رسد تقدیس کلام یا همان بُعد اعجازی بیان، بلاغت و قداست قرآن یا به گفتهٔ مشونیک «گفتار کدگذاری» شدهٔ متن مقدس است. از این رو، برای جلوگیری از تشتت در ترجمهٔ الفاظ چندمعنایی قرآنی و حفظ حداکثری اعجاز نهان در کلام آسمانی، تبعیت از برخی اصول و مبانی ضروری به نظر می‌رسد و همان

^۱ اولین معنای متبادر شده به ذهن.

طور که رشید معاش نیز در مقدمه ترجمه خود از قرآن آورده، مترجم خوب کسی است که بتواند تعادل مناسبی بین محدودیت‌های سبک و وفاداری به متن را حفظ کند.

چنان‌که خواهیم دید، مسئله پیشنهاد معادل‌های گوناگون برای یک لفظ قرآنی، هم در ترجمه‌های فرانسوی قرآن و هم در ترجمه‌های فارسی آن به چشم می‌خورد، هرچند در ترجمه‌های عربی - فارسی، گاه به دلیل ارتباطات زبانی بیشتر و اشتراک در دین و مذهب و به‌خصوص، وجود وام‌گیری‌های زبانی و به‌ویژه، وام‌واژه‌های مذهبی و عقیدتی عربی در زبان فارسی، کار مترجمان فارسی قرآن نسبت به مترجمان فرانسوی به مراتب راحت‌تر به نظر می‌رسد.

۴. هسته اصلی معنایی واژگان «ولی» و «موالی» از منظر لغت‌شناسی

«وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: ۵).

در این آیه دو لفظ الموالی و ولیاً از یک ریشه، یعنی وَلَى مشتق شده‌اند. فرهنگ‌لغت‌های زبان عربی عموماً واژه ولی را در معنای ریشه‌ای، «دوستدار، دوست، یار» معنا می‌کنند، در مفردات الفاظ قرآن، «دوستی برای نزدیکی» به‌عنوان معنای کانونی واژه پیشنهاد می‌شود (ج. ۳، ص. ۴۹۳). نورسیده و همکارانش، «ولی را در لغت به معنای نزدیکی و جدایی نداشتن» می‌دانند (۱۳۹۲، ص. ۸) اما ذوقی (۱۳۹۹) در مقاله خود با مطالعه گسترده آثار لغت‌شناسان برجسته از جمله ابن فارس، ابن اثیر و جواهری، چهار معنا برای این واژه برمی‌شمارد: دوست، متولی و عهده‌دار امور کسی یا کاری، پیرو و دوست‌دار، سرپرست و صاحب‌اختیار. البته باید یادآور شد، معنای مطرح‌شده توسط ذوقی، مبتنی بر ارجاعات قرآنی در آیات و سوره‌های مختلف است، بر این اساس، نمی‌توان این معنای واژگانی «ولی» دانست، چراکه تعبیر پیشنهادشده جدای از تأثیر هم‌نشینی سایر واژگان در بافت آیات نیستند. اما به هر روی، با توجه به معنای مطرح‌شده، می‌توان «دوستی و نزدیکی و یا هر آنچه بر دوستی مترتب است» را معنای کانونی ولی دانست. الموالی جمع مولی، از نظر ریشه، از ماده ولایت به مفهوم ارتباط و اتصال است و به تمام افرادی که با همدیگر به نوعی ارتباط دارند، اطلاق می‌شود. اما براساس فرهنگ موضوعی قرآن مجید، الموالی در بافت آیه ۵ سوره مریم، به معنای ارث به‌کار رفته است.

۵. دلالت مفهومی و مصداقی واژگان ولی و موالی در آیه ۵ سوره مریم

«و همانا [برای] پس از خود از خویشاوندانم بیمناکم، و همسر [از شروع زندگی] نازا بوده است، پس مرا از سوی خود فرزندی عطا کن» (ترجمه حسین انصاریان).
در حال حاضر بیش از هفتاد نمونه ترجمه فارسی از قرآن در دسترس فارسی‌زبانان قرار دارد. در ترجمه بالا، انصاریان، واژه موالی را خویشاوندانم، و واژه ولی را فرزندی ترجمه کرده است. معادل‌های بسیار متعددی برای ترجمه این دو واژه در ترجمه‌های فارسی و فرانسه قرآن دیده می‌شوند. اما تحلیل دلالت مفهومی الفاظ به‌عنوان یک دلالت درون‌زبانی تنها وقتی می‌تواند کامل به نظر برسد که این دلالت‌ها در ابعاد نحوی و در بافتار کتاب هم بررسی شده باشند. بنابراین پیش از پرداختن به تحلیل معادل‌های فارسی و فرانسه، وجوه و معانی این دو لفظ را براساس تفاسیر مطرح قرآنی بررسی می‌کنیم.

فیض‌الاسلام اصفهانی در ترجمه تفسیری خود، این آیه را چنین معنا و تحلیل می‌کند:

و من از پسرعموها و خویشانم (که چندان پای‌بند تقوا و پرهیزکاری نیستند) پس از (مرگ) خود می‌ترسم (که هدایا و ارمغان‌های بنی‌اسرائیل را در راه جز تو خرج کنند، گفته‌اند: خویشاوندان حضرت زکریا از اشرار و بدهای بنی‌اسرائیل بودند، و بنی‌اسرائیل هدایا و پیشکشی‌های خود را به احبار و پیشوایان خود می‌دادند، و زکریا رئیس و پیشوای پیشوایان بود، پس از خدای تعالی فرزندی خواست تا پس از او آن هدایا را در راه خدای تعالی به‌کار برد) و زن من (خواهر مریم مادر عیسی) نازاست، پس از جانب خود فرزندی که (به مال و دارایی من و هدایا و ارمغان‌های بنی‌اسرائیل) اولی و سزاوار باشد بمن ببخش (ج. ۲، ص. ۵۹۹).

چنان‌که در ترجمه تفسیری فیض‌الاسلام می‌خوانیم، موضوع آیه وراثت، و دعای زکریا برای داشتن یک وارث است که بتواند پس از مرگ وی، امانت‌دار و ادامه‌دهنده راه وی باشد. با توجه به چندمعنایی و یا به عبارتی چندوجهی بودن واژه «ولی»، چه نسبتی باید بین زکریا و وارثش در نظر گرفت و اینکه موضوع وراثت چیست؟ این پرسش از آنجا اهمیت می‌یابد که این وراثت می‌تواند هم از بعد مالی و ماترک باشد و هم از بعد روحانی و معنوی، و دیگر اینکه در مفهوم حقوقی، مسئله وراثت یک شخص و در مفهوم مذهبی مسئله جانشینی یک پیامبر، دو موضوع جدا از هم هستند که می‌توانند در واژه چندمعنایی «ولی» مصداق یابند، اما در زبان‌های دیگر،

آیا اصولاً لفظی یافت می‌شود که تمامی مؤلفه‌های معنایی لازم را به‌عنوان معادل ولی داشته باشد؟ معادل‌های بسیار گوناگونی هم در ترجمه‌های فارسی و فرانسه برای دو واژهٔ «موالی» و «ولیا» آمده‌اند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

در ترجمهٔ تفسیر المیزان (ج. ۱۴، صص. ۴-۱۲)، علامه طباطبایی «الموالی» را در معنای «غیر اولاد صلبی» می‌داند (همان، ص. ۸) و عنوان می‌کند که «ولی» هر کس عبارت است از آن شخصی که متولی و عهده‌دار کار او باشد و ولی میت آن کسی است که به امر او قیام می‌کند، و جانشین او در ارثیهٔ ایشان می‌شود» (همان، ص. ۹). در تبیین معنای ولیاً در این آیه نسبت به بافت کلی قرآن، نویسندهٔ المیزان با ارجاع به آیات ۳ سورهٔ آل عمران و آیهٔ ۷۵ سورهٔ نساء و با توجه به ذکر واژهٔ «یرثنی» در آیهٔ بعدی همان سوره، منظور از «ولیا» را فرزند پسر [به‌عنوان وارث] می‌داند. در مورد مسئلهٔ وراثت در این آیه، چنین نتیجه‌گیری می‌کند «که به هر حال لفظ، ظاهر در وراثت مال است، لیکن با انضمامش به ولی متعین می‌شود که مراد از وراثت تنها همان فرزند است» (همان، ص. ۹) و برخلاف تفسیر فخر رازی (ج. ۲۱، ص. ۱۸۴) نویسندهٔ تفسیر المیزان «کم‌ترین رابطه‌ای [بین] ارث اموال و ارث نبوت نمی‌بیند، چراکه در نبوت چیزی نیست که از راه خویشاوندی [به] ارث برده شود» (همان، ص. ۱۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونهٔ خود، «الموالی» را بستگان و «ولیا» را جانشین (فرزند) ترجمه می‌کند و دربارهٔ ارثی که باید به این جانشین برسد، مسئلهٔ ارث به اموال و ارث در مقام نبوت را پیش می‌کشد. با توجه به بشارت تولد یحیی در آیات بعدی، مسئلهٔ ارث معنوی یعنی موضوع وراثت مقام عظیم معنوی از جمله مقام نبوت را صحیح می‌داند و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که «ارث در اینجا مفهوم وسیعی دارد که هم ارث اموال را شامل می‌شود و هم ارث مقامات معنوی.» (تفسیر نمونه، ج. ۱۳، صص. ۸-۱۲).

اما جدا از آیهٔ ۵ سورهٔ مریم، واژهٔ «ولی» در سایر سوره‌های قرآن نیز به‌کار رفته است. لازمهٔ فهم درست و دقیق این واژگان، درک رابطهٔ معنایی است که آن‌ها در بافت آیات در هم‌نشینی با سایر واژگان پیدا می‌کنند. در «معناشناسی واژهٔ ولی در قرآن کریم»، نویسندگان مقاله، با تحلیل معناهای مختلف این واژه در سوره‌های مختلف و در بافت نحوی و موقعیتی آیات دیگر، چند معنای دیگر را برای «ولی» استخراج کرده‌اند: دوست و راهنما و یاری‌دهنده در دین و کفر بنا بر

آیه ۴ سوره مجادله و آیه ۵۱ سوره مائده؛ دوست و یاریگر در دین بنا بر آیه ۵۵ سوره مائده و آیه ۲۵۷ سوره بقره؛ دوست غیرخویشاوند بنا بر آیه ۱۷ سوره کهف؛ نزدیک یا خویشاوند نزدیک بنا بر آیه ۴۱ سوره حم دخان و آیه ۲۲ سوره عنکبوت (نورسیده و همکاران، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۸).

چنان‌که دیده می‌شود، واژه «ولی» به‌عنوان یک لفظ قرآنی، در بافت کل کتاب و در هم‌نشینی با سایر واژگان و جوه مختلفی می‌یابد، یا به‌عبارتی یک واژه چندمعناست که باید برای تعیین هر وجه معنایی آن مؤلفه‌ها و شاخصه‌های معنایی آن را در نظر گرفت و الا مترجم ممکن است در تعیین مصداق دچار اشتباه شود و در نتیجه وجه یا معنای نامناسب واژه را ترجمه کند. اگر جهت تعیین مصداق‌های دقیق «ولی» و «موالی» در آیه ۵ سوره مریم، بخوایم مؤلفه‌های معنایی آن‌ها را از ابعاد کلی‌تر تا ابعاد جزئی‌تر در نظر بگیریم، این دو واژه در حوزه معنایی وراثت و جانشینی قرار می‌گیرند، پس باید آن‌ها را به‌عنوان دو واژه زیرشمول واژه وراثت مورد بررسی قرار داد. شاخصه‌های معنایی این دو واژه بدین‌صورت خلاصه می‌شوند: در معنای لغوی، هر دو کلمه از یک ریشه و دارای شاخصه‌های اجتماعی و نسبی: دوستی، نزدیکی، یاریگری، دوست خویشاوند یا غیرخویشاوند، راهنما، یاری‌دهنده هستند. اما در ساختار نحوی آیه و با توجه به بافتار کلام، مشخص می‌شود که این شاخصه‌ها تنها محاسن و صلاحیت‌های اولیه و یا لازم برای کسی است که باید وارث زکریا شود، اما در اینجا وارثان محتمل (الموالی) واجد آن نیستند و در کلام زکریا ناشایست و بیمناک توصیف می‌شوند. از دیدگاه علامه طباطبایی، الموالی اشاره به وارثان غیرصلبی دارد، اما در دیدگاه مکارم شیرازی، به تمامی بستگان اشاره دارد و نوع رابطه اینان با زکریا نامعین می‌ماند. حال آنکه در نزد فیض الاسلام، از دو عبارت پسرعموها و خویشانم برای الموالی استفاده شده است که واژه اول، از نظر رابطه خانوادگی دارای مشخصه خاص است، اما لفظ دوم از این نظر نامعین است.

اما در مورد واژه «ولی» یا به‌عبارتی «ولیاً»، علامه طباطبایی آن را معادل فرزند پسر می‌داند که صلاحیت وراثت اموال را داشته باشد. از دیدگاه مکارم شیرازی، این واژه معادل جانشین فرزندی و به عبارت دقیق‌تر معادل پسر است که باید صلاحیت وراثت اموال و مقام نبوت را نیز

داشته باشد. پس براساس نظرات این فیلسوفان و قرآن‌پژوهان بزرگ، دو گونه رابطهٔ هم‌شمولی بین واژگان موالی و ولی وجود دارد:

۱. «موالی» (وارثان محتمل کنونی) نسبت نَسَبی با زکریا ندارند، اما «ولی»، پسر و جانشین وی برای حفظ اموال و ماترک او خواهد بود؛

۲. موالی (وارثان محتمل کنونی) ممکن است هرگونه نسبت نَسَبی و سببی با زکریا داشته باشند، اما وارث باید پسر و جانشین وی در صیانت از اموال و مقام نبوت او باشد.

۱-۵. ترجمه‌های فارسی آیهٔ ۵ سورهٔ مریم

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در ایران هفتاد ترجمه از قرآن به زبان فارسی موجود است که مترجمان (مذکور در زیرنویس صفحات بعد) برای واژگان مطرح‌شده، معادل‌های مختلفی را آورده‌اند. معادل‌های استفاده‌شده برای واژه‌های «موالی» و «ولیا» در ترجمه‌های فارسی به شرح جدول زیر است:

معادل‌های «موالی» در ترجمه		معادل‌های «ولی» در ترجمه	
وارث ۲۱ بار در ترکیبات مختلف: وارث / وارثان / وارثان [نزدیکم] / وارثان پس از خویش / وارثان پس از مرگم / وارثان کنونی / وارثان کنونی (که پسرعموهای من هستند) / وارثان من / وارثانم / وارثی	۱	فرزند ۲۷ بار در ترکیبات مختلف: فرزند/ فرزند ارث‌بری / فرزند صالح و جانشین شایسته / فرزندی صالح و جانشینی شایسته / فرزندی (۲۱ بار) / فرزندی سرپرست	۱
بستگان ۱۳ بار در ترکیبات مختلف: بستگانم ۱۱ بار / بستگان ارث‌برم / بستگانم که پس از من وارثانم خواهند بود	۲	جانشین ۱۴ بار در ترکیبات مختلف: جانشینی (۹ بار) / جانشینی [فرزندی] (۲ بار) / جانشینی از صلب من.	۲
خویشاوند ۱۴ بار در ترکیبات مختلف: خویشاوند / خویشاوندان (۳) (بار) / خویشاوندان پس از خودم /	۳	وارث ۱۳ بار در ترکیبات مختلف: وارث / وارثی (۱۰ بار) / وارثی (فرزندی) / وارثی و جانشینی	۳

		خویشاوندانم (۸ بار) / خویشاوندانم پسرعموهایم	
ولی ۹ بار در ترکیبات مختلف: ولی / ولی (یعنی پسر و سرپرستی) / ولی و دنباله‌روی / ولی (و فرزندی که متصدی کار من باشد) / ولیی (۳ بار) / ولیی (فرزندی) / ولیی فرزندی	۴	خویشان ۸ بار در ترکیبات مختلف: خویشان (۲ بار) / خویشان وارث پس از خود / خویشان (بنی اعمام) / خویشان که از پی من اند / خویشانم (۲ بار) / خویشانم [وارثان و پسرعموهایم]	۴
پسر ۳ بار. پسری (۲ بار) / پسری کارساز	۵	بنی اعمام ۵ بار	۵
دوست ۳ بار در ترکیبات مختلف: دوستی به مقام من ایستنده / دوستی و فرزندی / دوستی یعنی پسری	۶	پسرعمو / عموزاده ۳ بار در ترکیبات مختلف: پسرعموها و خویشانم / عموزادگانم پس از خویش / عموزاده هایم	۶
بچه لایقی	۷	نیازادگان (۲ بار)	۷
		ارث بران و جانشینان پس از مرگم	۸
		اقارب	۹
		اولیای ارث خود	۱۰
		بازماندگان / بازماندگانم از برادران و فرزندان عمویم	۱۱
		پی آمدگان پس از خودم	۱۳
		عصبگان از گداره من	۱۴
		قوم و خویش	۱۵
		موالی خودم (یعنی از قبیله و بنی أعمامم)	۱۶
		نزدیکانم	۱۷

پیش از آنکه به بررسی معادل‌های پیشنهادی بپردازیم، الفاظ به‌کار برده شده در آیه را از نظر رابطه معنایی تبیین می‌کنیم. چنان‌که اشاره شد، موضوع آیه مسئله وراثت است. پس باید موضوع را در حوزه معنایی وراثت بررسی کرد؛ به عبارتی این واژه را باید کلمه شامل برای سایر کلمات این حوزه معنایی به حساب آورد. کلمه موالی، واژه زیرشمول وراثت به حساب می‌آید، چراکه مصداق آن کسانی هستند که به شکل بالقوه می‌توانند وارث زکریا باشند. پس تمام اسامی یا گروه‌های اسمی که در جدول بالا واجد این مؤلفه معنایی باشند می‌توانند از نظر مصداقی، در زیرشمول آن قرار گیرند و می‌توانند به گونه‌ای معادل واژه موالی به حساب آیند. واژه ولی که در فارسی هم کاربرد دارد، یکی از این واژه‌هاست که در زیرشمول موالی قرار می‌گیرد اما به سبب مؤلفه‌های معنایی مانند پسر بودن، شایستگی و کرامت جانشینی داشتن — جانشینی در اموال و یا جانشینی در اموال و نبوت — فرزند زکریا بودن، از موالی متمایز می‌شود و مصداق آن کسی خواهد بود که تمام شرایط لازم و کافی به‌عنوان وارث بالفعل زکریا را داشته باشد. بر این اساس می‌توان با در نظر گرفتن شرایط لازم و کافی معنایی معادل‌های موجود مبنی بر وارث بالقوه — برای موالی — و وارث بالفعل — برای ولی — معادل‌های موجود در جدول بالا را سنجید.

۲-۵. معادل‌های واژه «الموالی» در ترجمه‌های فارسی

چنان‌که از متن آیه پیداست، و بنابر گروه اضافه «مِن وَرَآئِی» (و پس از [مرگ] خود)، الموالی عبارت است از تمام کسانی که می‌توانند وارث زکریا پس از مرگ وی شوند با هر درجه از قرابت و خویشاوندی ممکن، خواه بر اساس رتبه‌بندی یا طبقه وراثان، در طبقه اول وراثان باشد یا در طبقات دوم یا سوم آنها. بنابراین می‌توان گفت تمام معادل‌های به‌کار گرفته‌شده توسط مترجمین برای واژه موالی، که به نوعی مصداق یکی از این طبقات باشند، صحیح هستند. از این نظر می‌توان کلی‌ترین اما جامع‌ترین معادل را همان واژه وارثان یا ترکیبات آن دانست که در ردیف ۱ جدول بالا آمده‌اند.^۱ اما در مورد ترکیبات وارثان: در ترجمه محمدحسین ابراهیمی پس از وارثان صفت [نزدیکانم] در بین قلاب استفاده شده است، که براساس تفسیرهای موجود و

^۱ ابراهیمی، ارفع، الهی قمش‌های، امینیان، رضاخانی و ریاضی، موسوی همدانی، بروجردی، عاملی، ثقفی تهرانی، پاینده، بروجردی، کاویان‌پور، کاشانی.

خود آیه یک توضیح اضافی است که جامعیت وارثان را مخدوش می‌کند. در ترجمه الهی قمشه‌ای، پس از واژه وارثان از صفت کنونی‌ام و توضیحات اضافی (که پسرعموهای من هستند) آمده است که از عمومیت واژه کاسته و به آن تخصیص معنایی می‌بخشد که با معنای مفهومی الموالی در آیه سازگار نیست، وانگهی براساس تفسیر المیزان، زکریا از وارثان غیرصلبی خود بیم دارد نه وارثان نزدیکش. در ترجمه برگرفته از تفسیر عاملی و ترجمه برگرفته از روان جاوید: از واژه وارثی ندارم یا وارث استفاده شده است که با توجه جمع بودن لفظ الموالی، وارثی یا وارث به شکل مفرد نمی‌تواند معادل درستی باشد.

در مورد معادل‌های قیدشده در ردیف‌های ۲، ۳ و ۴ یعنی: بستگان، خویشاوندان و خویشان و ترکیبات آن‌ها، چنان‌که در مبحث حقوقی ارث در قانون مدنی آمده است، موجبات ارث بر نسب و سبب است، پس هر کدام از واژگان فوق حوزه معنایی گسترده‌تری از وراثت دارند، به عبارتی وراثت و وارث در زیرشمول معنایی و مصداقی آن‌ها قرار می‌گیرند. از جمله می‌توان اشاره کرد به ترکیباتی که در قوانین حقوق مدنی و حقوق خصوصی در مبحث امور حسبی و ماترک مطرح می‌شود: «خویشاوندان نسبی»، «خویشاوندان سببی» یا «خویشاوند طولی»، «خویشاوند نزولی» و غیره که بیانگر آن است که مفهوم «الموالی» در آن‌ها نهفته است. با این حال شایسته است که در بین مترجمانی که این واژگان را انتخاب کرده‌اند^۱ اشاره کرد به بعضی از معادل‌ها که با ترکیبات وصفی و اضافی، سعی کرده‌اند، معنای روشن‌تری به واژگان نامبرده ببخشند، از جمله بستگان ارث‌برم یا خویشان وارث پس از خود. در مورد سایر واژگانی که در ردیف‌های ۵ تا ۱۷ آمده‌اند، معادل بنی‌اعمام، گرچه در یک ترجمه تفسیری قابل توضیح و درک می‌نماید اما در یک ترجمه غیرتفسیری برای یک خواننده غیرحرفه‌ای چندان قابل فهم نخواهد بود، ضمن آنکه بنی‌اعمام تنها می‌تواند از نظر مصداقی، قسمتی از الموالی زکریا را شامل شود و از این نظر نارسا به نظر می‌رسد. به همین ترتیب واژه پسرعمو یا عموزاده، نیازادگان، قوم و

^۱. استادولی، انصاریان، آیت‌اللهی، آیتی، برزی، اسفراینی، علماء ماوراء النهر، نجفی، صاحبی، دانش، قرائتی، خرم‌دل، آدینه وند، بلاغی، بهرام‌پور، حدادعادل، حلبی، خواجوی، رضائی اصفهانی، رهنما، سراج، شاهین، شیروانی، صفارزاده، صفوی، صلواتی، رواقی، موزه پارس، کرمی، مجتبیوی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، معزی، مکارم شیرازی، ملکی، حجتی.

خویش که با توجه به درجات و طبقات مختلف وارثان یک فرد، از نظر مفهومی و مصداقی صحیح نمی‌نمایند.^۱

اما به‌طور کلی، باید اشاره کرد به بعضی از ترجمه‌هایی که اصولاً دچار ابهام معنایی هستند، از جمله ترجمه‌هایی که آیه مذکور را چنین ترجمه کرده‌اند: «من پس از خویش از [...] بیمناکم»/ «من بعد از خودم از [...] نگران هستم»/ «همانا من پس از خود از [...] بیمناکم»/ «براستی پس از خویش از [...] بیمناکم»/ «و من پس از خود از [...] بیمناکم». این جملات دچار ابهام هستند، چراکه می‌توانند چنین تعبیر شوند که زکریا نخست از خود نگران است آنگاه از خویشاوندان/ بستگان و وارثانش. برای رفع این ابهام کافی است که حرف اضافه «برای» پیش از کلمات بعد و پس قرار گیرد: برای بعد از خودم [...] / برای پس از خود [...] بیمناکم.

۳-۵. معادل‌های واژه «ولیا» در ترجمه‌های فارسی

پیش از آنکه به معادل‌ها پردازیم، لازم است یادآوری کرد که در آیه مذکور، کلمه «ولیا» در زیرشمول واژه «موالی» قرار می‌گیرد که در بعضی مؤلفه‌ها دارای تخصیص معنایی می‌شود: نخست آنکه مفهوم وارث/خویشاوند... در آن مستتر است؛ دوم آنکه نسبت خویشاوندی این وارث با زکریا در طبقه اول وارثان نسبی زکریا قرار می‌گیرد که شامل پدر، مادر، فرزند و نوه می‌شود. بدیهی است که در آیه ۵ سوره مریم، موضوع وراثت پدر و مادر و نوه برای زکریا در میان نیست و تنها می‌تواند مصداق فرزند باشد؛ سوم آنکه این فرزند باید ذکور یعنی پسر باشد؛ چهارم آنکه این وارث/فرزند/پسر باید صلاحیت جانشینی زکریا خواه در حفظ اموال — بنا به تفسیر علامه طباطبایی — خواه در حفظ اموال و مقام نبوت — به تعبیر مکارم شیرازی — را داشته باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت هر معادل فارسی یا فرانسوی که برای واژه «ولیا» انتخاب شود باید دارای این مؤلفه‌های معنایی باشد و الا نارسا خواهد بود. با توجه با این نکات، می‌توان معادل‌های موجود در ردیف ۴ را درست دانست چراکه از خود واژه ولی به‌عنوان یک وام‌واژه بهره برده‌اند و گاه بعضی از مترجمان برای رفع ابهام در نزد خوانندگان فارسی‌زبان توضیحاتی را در بین دوکمان به آن اضافه کرده‌اند. معادل‌های موجود در ردیف‌های ۱ یعنی فرزند، به این

^۱. سایر مترجمان: اشرفی تهریزی، انصاری، تشکری آرانی، خسروانی، رسولی محلاتی، رشیدالدین میبدی، شاه ولی‌الله، شعرانی، صادق‌نوبری، صادقی تهرانی، صفی‌علی‌شاه اصفهانی، فارسی، فیض‌الاسلام، قرآن‌قدس، قرشی، مجد، مشکینی اردبیلی، مصباح‌زاده، موسوی گرمارودی، نسفی، یاسری، یزدی.

شکل واجد تمام مؤلفه‌های معنایی ولی نیست، اما هنگامی که با توضیح همراه شده است، مفهوم و مصداق کامل‌تری یافته است. در مورد معادل‌های موجود در ردیف ۲، با توجه به اینکه وارث، وارثی، وارثی و جانشینی، به‌طور کامل مصداق «ولی» نیستند و بیشتر هم‌شمول «موالی» هستند، می‌توان از لحاظ معنایی آن‌ها را مبهم و ناروشن دانست. همین ابهام معنایی در مورد واژگان موجود در ردیف‌های شماره ۶ و ۷ نیز موجود است و کلمات پیشنهادی نمی‌توانند معادل فارسی دقیقی برای واژه «ولیا» باشند. اما به‌طور کلی چنان‌که اشاره شد، یکی از مؤلفه‌های معنایی واژه «ولی» مسئله صلاحیت سرپرستی و جانشینی پیامبر است که هیچ‌کدام از کلمات موجود واجد آن نیستند مگر آنکه مترجم از طریق توضیح و با افزودن واژگان دیگری، مانند فرزند صالح و جانشین شایسته/ ولی (یعنی پسر و سرپرستی)/ ولی (و فرزندی که متصدی کار من باشد)، معنای مدنظر را متبادر کرده باشند.

۴-۵. «الموالی» و «ولی» در ترجمه‌های فرانسوی

J'ai craint les **gens de ma famille** après moi et voilà que ma femme est stérile.
Accorde-moi donc de Ta part **un successeur**. (*Maryam/5*. trad. Kechrid)

در ۴۰ ترجمه مورد استناد به زبان فرانسه، با معادل‌های گوناگونی برای دو واژه مدنظر مواجه هستیم که نمایه آن‌ها در جدول زیر می‌آید:

ترجمه	ولی	ترجمه	موالی
اعقاب: فرزند، اولاد، نواده	Descendant (14 fois) : un descendant (13 fois) un descendant direct	بستگان / خویشاوند نزدیک / اقوام نزدیک / خویشاوندان نزدیکم / خویشاوندانی که باید جایگزینم شوند	Proches (17 fois) : mes proches (12 fois)/ la proche parenté/ les proches/ les proches parents/ mes proches parents/ les proches qui doivent me succéder
وارث	un héritier (12 fois)	وارثان / ارث‌برندگان	Héritiers (9 fois) : mes héritiers (8 fois)/ ceux qui hériteront

ترجمه	ولی	ترجمه	موالی
جانشین بعد از فوت، وارث	successeur (6 fois) : un successeur (5 fois) un successeur (protecteur pieux)	خویشان، دوستان، پیروان	les miens (3 fois)
پسر پسر معنوی	un fil (4 fois) un fils spirituel	خویشاوندان	la parentèle (2 fois)
فرزند، بچه	un enfant (2 fois)	خویشاوندان دور، بستگان دور	des parents éloignés (2 fois)
خویشاوند ارث‌بر	un successible	جانشین شدن جانشین من جانشینان من	succéder (2 fois) : celui qui me succédera ceux qui me succéderont
متحد، پشتیبان	un allié	خانواده‌ام	ma famille
وارث، قائم مقام قانونی	un ayant cause	برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌های پسری‌ام	mes neveux
موجود، فرد، شخص	un être	اعضای خانواده‌ام	les gens de ma famille
		برادران ناتنی	les frères d'adoption
		متحدان، پشتیبانان	les alliés

آندره دوریه^۱ به‌عنوان اولین مترجم قرآن، همراه دو مترجم دیگر، ساواری^۲ و گروژان^۳، «ولی» را *filis*، به معنای: پسر، فرزند ذکور، ترجمه کرده‌اند که معادل «ابن» در عربی است.^۴ *descendant*، *enfant*، *héritier*، مترادف‌هایی هستند که در زبان فرانسه در شمول معنایی *le fils* قرار می‌گیرند. در واقع، سه مترجم فوق معنای مجازی پسر را اراده کرده‌اند. چنان‌که در مورد ترجمه‌های فارسی اشاره شد، واژه «ولی»، افزون بر فرزند، فاکتورهای معنایی دیگری از جمله «سرپرستی» و «جانشین» را طبق تفاسیر در خود نهفته دارد؛ انتخاب پسر به‌عنوان معادل ولی می‌تواند به شکل بالقوه مضمون جانشینی را در خود داشته باشد، به‌خصوص که تصور جانشینی مقام نبوت برای دختر دور از ذهن است. باین حال، مفهوم استعداد سرپرستی و شأن جانشینی در آن به مانند ولی نهفته نیست. چنان‌که دیدیم لفظ «پسر» در ترجمه‌های فارسی نیز انگشت‌شمار است.^۵

از بین مترجمان فرانسوی، ۹ مترجم^۶ به تبعیت از کازیمیرسکی^۷، معادل *héritier* را برای ولی به‌کار برده‌اند که معادل «وارث» در زبان عربی است. مذکر بودن واژه ولی نشان می‌دهد که خواسته زکریا فرزند پسر است، در نتیجه انتخاب *héritier* به معنای وارث یک امتیاز به شمار می‌آید؛ البته چنان‌که اشاره شد، وارث تنها شامل فرزند نمی‌شود و فرزندان متوفی به‌عنوان خویشاوندان طبقه اول نزولی، و پدر و مادر (در قید حیات) به‌عنوان خویشاوندان طبقه اول صعودی نیز وارث درجه یک به شمار می‌آیند، اما با توجه به هم‌نشینی این واژه در جمله فرانسه، مفهوم وارث پسر به‌روشنی قابل دریافت است. از طرفی *héritier* در لغت قدیم فرانسه توسعاً به معنای اولاد نیز آمده است، چه آنکه مونته^۸ در ترجمه خود واژه *filis* را نیز در زیرنویس آورده است. با این حال باید یک نکته را درباره این معادل نسبت به لفظ ولی اشاره کرد: معنای کانونی

^۱. André Du Ryer

^۲. Claude-Étienne Savary

^۳. Jean Grosjean

^۴. ر.ک. تفسیر سیوطی، بی تا، ص. ۴۰۳.

^۵. ترجمه برگرفته از تاج التراجم، ترجمه برگرفته از تفسیر آسان، ترجمه خواجه‌سوی، ترجمه قرن دهم تصحیح علی رواقی، ترجمه برگرفته از حجت التفاسیر.

^۶. ادوارد مونته، احمد الأعمش، امور غدیره، سی احمد بودیب، حسین نهبو، رنه رزق الله خوام، ژیل والوا، دومینیک عبدالله پنو، مالک شبل.

^۷. Albert Kazimirski de Biberstein

^۸. Édouard Louis Montet

ولی به معنای دوستی و سرپرستی است که در آیه ۵ سوره مریم که توسعاً به معنای وارثی (فرزند) دارای شأن و شایستگی سرپرستی و جانشینی است به کار رفته، حال آنکه معنای کانونی héritier وارث مالی است و فاقد مفهوم صلاحیت در سرپرستی و جانشینی است.

پل^۱ و به تبع او بن محمود، احتمالاً به دلیل اشاره زکریا به sterile یعنی عاقر و نازا بودن همسرش، ولی را enfant به معنای: فرزند، بچه، طفل، ترجمه کرده‌اند. این انتخاب محتاطانه نشان می‌دهد که مترجمان اولویت خواسته زکریا را فرزند پنداشته‌اند نه جانشین. به علاوه باید یادآوری کرد که enfant به معنای «فرزند» اعم از دختر و پسر، کوچک و بزرگ، مفرد و جمع و دربرگیرنده همه سطوح سنی است، درحالی که هسته معنایی آیه مشخصاً وارث ذکور است. با توجه به اینکه در شمول معنایی enfant، واژگان descendant, fils, héritier نیز قرار می‌گیرند، می‌توان آن را معادل ولد در زبان عربی و فرزند در زبان فارسی دانست. چنان‌که پیش‌تر گفته شد در بین ترجمه‌های فارسی ۲۷ مورد معادل فرزند به کار رفته است که در نزد بعضی مترجمان برای متبادر کردن مفهوم جانشینی و سرپرستی به آن الفاظ دیگر اضافه شده است.

گزینه غالب در بین معادل‌های استفاده شده توسط مترجمان فرانسوی، واژه descendant است که نخستین بار توسط بلاشر^۲ و سپس توسط یازده مترجم دیگر^۳ به کار رفته است. این واژه در لغت به معنای اعقاب است و در شمول معنایی آن فرزند، اولاد، نوادگان و پس‌آمدگان قرار می‌گیرد، ولی از نظر مجازی به معنای پسر و وارث نیز به کار می‌رود. از جمله نارسایی معنایی این واژه به عنوان معادل ولی همان کمبود هسته شایستگی است.

چهار مترجمی^۴ که به تبعیت از صلاح‌الدین کشرید معادل successeur به معنای: جانشین، وارث، خلف، قائم‌مقام را انتخاب کرده‌اند، درخواست زکریا از فرزند ذکور را به موالی هم گسترش داده‌اند، زیرا successeur توأمان مفهوم وارث بالفعل و بالقوه را دربر می‌گیرد و مسلماً الموالی وارث بالقوه زکریا به حساب می‌آیند. از این میان کشرید واژه progéniture را در زیرنویس

۱. Octave Pesle

۲. Régis Blachère

۳. دنیز ماسون، صادق مازیغ، ناتان آندره شوراکی، محمد حمیدالله، بوریم‌عبد داود، محمد المختار ولد اباه، نورالدین محمود شهیره، لینا موفق دعبول، ژان لویی میسون، مصطفی زینو، رشید معاش.

۴. مترجمان فرقه احمدیه، محمد شیادمی، غلامحسین ابوالقاسمی فخری، زینب عبدالعزیز.

آورده تا معنای ذریه، نسل، فرزند و نوادگان را نیز به آن بیفزاید؛ گرچه زکریا در آیه ۳۸ سوره آل عمران از خدا درخواست «ذریه» کرده است، اما در یک ترجمه غیرتفسیری، ضرورتاً خواننده غیرمتخصص نمی‌تواند این رابطه معنایی را تشخیص دهد. غلامحسین ابوالقاسمی فخری نیز توضیح *protecteur pieux* به معنای سرپرست، قیّم را داخل پُرانتز در مقابل *successeur* آورده است تا خواننده را متوجه بار حقوقی آن سازد. در واقع، این واژه را باید بیشتر معادل خلیفه یا خَلَف یا عقب در تفاسیر دانست (طباطبائی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). به همین ترتیب، حمزه بوبکر با انتخاب *successible* به معنای دریافت‌کننده ارث، موالی را نیز مشمول دعای زکریا کرده است. واژه *successible* هم صفت است و هم اسم که در اینجا در معنای اسمی به کار رفته هرچند تأثیری در نتیجه امر ندارد.

ژاک برک^۱ از عبارت *ayant cause* که اصطلاحی حقوقی در حوزه معاملات و به معنای وارث و قائم مقام قانونی است، برای انتقال معنای ولی استفاده کرده است. این عبارت در دو مورد کاربرد دارد: اول، هر شخصی که حق و حقوقی به طور طبیعی و بنا به سبب یا علتی خارجی به وی منتقل می‌شود؛ دوم، کسی که در معامله قائم مقام شخصی دیگر است. این عبارت بیشتر حامل بار معنایی مادی و قراردادی است، در صورتی که بسیاری از مفسران از جمله مکارم شیرازی بر وراثت معنوی یعنی وارث نبوت نیز تأکید کرده‌اند. از طرفی، دامنه اطلاق *ayant cause* گسترده‌تر از آن است که بتواند در دعای زکریا جایگزین «ولیا» شود. این عبارت مورد توجه مترجمان دیگر قرار نگرفته و معادلی در تفاسیر برای آن یافت نشد.

رقیه گبر معادل *filis spirituel* را برگزیده که به معنای پیرو و مرید است. برخلاف *ayant cause*، این عبارت بیشتر حامل بار معنایی معنوی است و ماترک مادی را شامل نمی‌شود. در صورتی که در تفاسیر، چنان‌که اشاره شد، بر ارث بردن از اموال و دارایی هم تأکید شده است. سامی الذیب در ترجمه خود، واژه *allié* را برای ولی انتخاب می‌کند. برای رفع سوء تفاهم خواننده، در زیرنویس این واژه، الذیب به ترجمه دو مترجم دیگر اشاره و چنین توجیه می‌کند که در نبود فرزند و اخلاف، ارث به *allié* به معنای فامیل، خویشاوند سببی تعلق می‌گیرد. وی برای «موالی» نیز معادل *alliés* را به کار برده است؛ گرچه از نظر ریشه‌شناختی این معادل‌ها از

^۱. Jacques Berque

نظر ریتم و ساختار یادآور نسبت ولی و الموالی است، اما از لحاظ معنایی، تخصیص و تمایز معنایی که بین ولی و موالی وجود دارد، در بین allie و allie نیست. و در نهایت، اینکه گلوٲن^۱ در ترجمهٔ خود واژهٔ عام être به معنای بشر، موجود، فرد، شخص را به عنوان معادل ولی انتخاب کرده و آن را با افزودن گروه وصفی très proche de l'intime de Toi به موضوع آیه مرتبط ساخته است. در تفاسیر موجود معادلی یا اشاره‌ای به چنین برداشتی از کلمهٔ ولی نشده است.

۶. نتیجه

دانش معناشناسی این شانس را به ما می‌دهد که در مطالعهٔ متون ترجمه‌شده، با بررسی معناهای مفهومی و مصداقی معادل‌های موجود، اعتبار، درستی و میزان تطابق معنایی آن‌ها را با واژه و الفاظ اصلی بسنجیم. در این مقاله با مطالعهٔ ترجمه‌های فارسی و فرانسهٔ آیهٔ ۵ سورهٔ مریم، معادل‌های پیشنهادی برای واژگان «الموالی» و «ولی» را مورد مطالعه قرار دادیم. براساس مفاهیم موجود در فرهنگ‌های لغت و بنا به تعبیر مفسران، واژهٔ ولی، در معنای کانونی، دارای مؤلفه‌های معنایی است که علی‌رغم تغییرات معنایی که در بافت آیه می‌یابد و تبدیل به یک واحد معنایی نسبتاً جدید می‌شود، اما این واحد جدید همچنان واجد آن معانی اولیه نیز می‌ماند: از جمله، دوست، یاریگر، دوست خویشاوند، راهنما و یاری‌دهنده، که به شکل طبیعی انتظار می‌رود جانشین و وارث زکریا از آن‌ها برخوردار باشد. در مقایسه‌ای که صورت گرفت، دیدیم که مترجمان در انتخاب معادل برای الموالی نسبت به ولی مشکل کم‌تری داشته‌اند و بیشتر معادل‌های پیشنهادی در انتقال مفهوم الموالی رسانایی لازم را دارند. اما در مورد ولی، با توجه به چند معنا بودن این واژه، هیچ معادل دقیقی در ترجمه‌های فارسی و فرانسه یافت نشد مگر آنکه مترجمان با افزودن واژگان دیگری نقصان معنایی واژه‌های معادل را جبران کرده باشند.

اما به‌طور کلی آنچه می‌توان از مقایسهٔ متن اصلی آیه و ترجمه‌های آن نتیجه گرفت، همان قداست و تقدیس کلام الهی است که در اسلوب کلام، ایجاز سخن و درهم‌تنیدگی معناها و واژگانی و نحوی ریشه دارد که مترجم قادر به برگرداندن کامل آن نیست. در مورد این آیه کافی بود که به‌جای واژگان الموالی و ولی، مترادف‌های آن‌ها در زبان عربی یعنی الاقارب و الولد را قرار می‌دادیم، آنگاه معادل‌های پیشنهادی فارسی و فرانسه هم‌پوشانی لازم را پیدا می‌کردند.

^۱. Maurice Obaidallah Gloton

درواقع، در بوطیقای متن مقدس، هر واژه یک کد است که با هیچ کد دیگری جایگزین نمی‌شود مگر به شکل نارسا و ناقص و مجموعه این کدها در بافت متن مقدس، تبدیل به نوشتاری رمزگونه می‌شوند که تنها راه درک درست و دقیق آن‌ها شناخت تمام شاخصه‌های اجتماعی، دینی، فرهنگی، تاریخی و زبانی متن است.

نکته: برای جلوگیری از طولانی شدن لیست منابع، از ذکر منابع هفتاد ترجمه فارسی و چهل ترجمه فرانسوی خودداری شد، زیرا در دو سایت مذکور در منابع، تمامی این ترجمه‌ها به زبان‌های عربی، فارسی و فرانسه به شکل برخط در دسترس هستند.

منابع

- اسماعیلی، ن. و فارسیان، م. و شعیری، ح.ر. (۱۳۹۶). بررسی نشانه‌معناشناختی واژگان ذکر و خیر در قرآن و معادل‌های آن‌ها در هفت ترجمه فرانسوی قرآن کریم. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۰(۱)، ۱۰۷-۱۳۰.
- بروآسی، ا. و اسماعیلی، ن. (۱۳۹۹). بررسی کیفیت ترجمه کردی قرآن کریم توسط هزار موبکرانی. *نشریه پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۳(۱)، ۲۰۱-۲۲۰.
- بستانی، ق. و سپه‌وند، و. (۱۳۹۰). کاربرد روش‌های معناشناسی نوین در پژوهش‌های قرآنی، *نشریه مطالعات قرآن و حدیث*، ۵(۱)، ۱۶۵-۱۸۶.
- بندرریگی، م. (۱۳۶۴). *فرهنگ جدید عربی - فارسی: ترجمه منجد الطلاب*. تهران: انتشارات اسلامی.
- تقوی فردود، ز. و تقوی فردود، ن. و تقوی فردود، م. (۱۳۹۵). واکاوی سیر تحولی ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسه براساس سطوح ساختاری، محتوایی و گفتمانی، با تکیه بر سوره مبارکه حجرات. *نشریه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۳(۵)، ۲۷-۵۶.
- جواهری، م. (۱۳۹۹). *روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حدیدی، ج. (۱۳۸۰). *رهروان حقیقت: مفده گفتار*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ذوقی، ا. (۱۳۹۹). چندمعنایی واژه‌های ولی و مولی در قرآن، *نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۲۶(۱)، ۲۲۷-۲۵۰.

- راغب اصفهانی. (۱۳۶۲). *مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- سیوطی، ج. (بی تا). *تفسیر الجلالین*. بیروت: دارالتراث العربی.
- صفوی، ک. (۱۳۹۷). *درآمدی بر معنی شناسی*. تهران: سوره مهر.
- طباطبائی، م. (۱۳۹۲ قمری). *تفسیر المیزان*. ج ۱۴. بیروت: مؤسسه‌ی علمی‌المطبوعات.
- طیب حسینی، م. (۱۳۹۵). *چند معنایی در قرآن کریم: درآمدی بر توسعه در دلالت‌های قرآنی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فانی، ک.، و خرمشاهی، ب. (۱۳۹۰). *فرهنگ موضوعی قرآن مجید: الفهرس الموضوعی للقرآن الکریم*. تهران: ناهید.
- فخر رازی، م. (۱۴۲۰ قمری). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض الاسلام، ع. (۱۳۷۸). *ترجمه و خلاصه تفسیر قرآن عظیم*. دوره سه جلدی. تهران: مؤسسه انتشارات فقیه.
- قاموس القرآن الکریم: معجم النبات. جمعی از نویسندگان (۱۴۱۸ ق). کویت: مؤسسه‌ی الکویت للتقدم العلمی.
- قمصریان، م. (۱۴۰۰). *همراه نور: فرهنگ توصیفی اجمالی علوم قرآنی*. تهران: سروش.
- کاشف، ح. (۱۳۹۶). *بررسی تحلیلی ترجمه فرانسه واژگان «مؤمن» و «کافر» در قرآن کریم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- کوثری، ع. (۱۳۹۴). *فرهنگنامه تحلیلی وجوه و نظائر در قرآن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مراغی، ا. م. (۱۳۹۴ قمری). *تفسیر المراغی*. جزء ۱۶. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مقاتل بن سلیمان بلخی. (۱۳۸۱). *الأشباه والنظائر فی القرآن الکریم: کلمات مشترک و هم‌معنا در قرآن کریم*. ترجمه س. م. روحانی و م. علوی مقدم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۷). *تفسیر نمونه*. ج ۱۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نورسیده، ع.، و فیض‌الله‌زاده، ع.، و ماستری‌فراهانی، ج. (۱۳۹۲). *معناشناسی واژه «ولی» در قرآن کریم*. پژوهشنامه نقد ادب عربی، ۴(۷)، ۱۵۲-۱۶۸.

- Abid, R. G., Khalaf Hamad, A. (2020). La Problématique de la Traduction de la Polysémie Dans le Coran : Étude Comparative de Trois Traductions. *Journal of Language Studies*. no. 2.
- Ballard, M. (2013). *Histoire de la traduction*. Bruxelles : de boeck.
- Dictionnaire Arabe-Français*, (2004), Bureau des Etudes et Recherches. 2^e éd., Beyrouth, Dar al-Koutoub al Ilmiyah.
- El Toukhy, D. M. El Sayed. (2020). Problèmes de l'interprétation des verbes polysémiques (*nazarâ*) et (*Ḍarabâ*) dans le Saint Coran, in *Research in Teaching Languages*, vol.9, 11, 19-64.
- Jalil, A. (2017). Approche polysémique et traductologique du Coran : la sourate xxii (Al-Hajj [le pèlerinage]) comme modèle. PhD diss., Aix-Marseille.
- Meschonnic, H. (1999). *Poétique du traduire*. Lagrasse : Verdier.
- Motamedi, L. Navarchi, A. (2018). Étude critique de la traduction des textes religieux, *Plume*, 13(27), 143-163.
- Trabelsi, S. (1985). Le Coran et ses traduction en Français du xvii^e au xx^e siècle. Mémoire de fin d'études. École nationale supérieure des bibliothèques.

Webographie

- <https://quran.inoor.ir/>
<https://www.lenoblecoran.com/>
<https://lib.eshia.ir/>